

بریلویت تاریخ و عقیده

بقلم:
موفق افغان

تقدیم:
دکتر مصطفی محمدی

این کتاب از سایت کتابخانه عقیده دانلود شده است.

www.aqeedeh.com

book@aqeedeh.com

آدرس ایمیل:

سایت‌های مفید

www.aqeedeh.com

www.nourtv.net

www.islamtxt.com

www.sadaiislam.com

www.ahlesonnat.com

www.islamhouse.com

www.isl.org.uk

www.bidary.net

www.islamtape.com

www.tabesh.net

www.blestfamily.com

www.farsi.sunnionline.us

www.islamworldnews.com

www.sunni-news.net

www.islamage.com

www.mohtadeen.com

www.islamwebpedia.com

www.ijtehadat.com

www.islampp.com

www.islam411.com

www.videofarda.com

فهرست

۱.....	روزنه
۵.....	تمهید
۶.....	موسس و پیشوا
۱۱.....	عقاید بریلوی
۱۷.....	مسئله بشریت رسول الله ﷺ
۱۸.....	مسئله حاضر و ناظر
۲۰.....	تعلیمات و هدایات بریلوی
۲۳.....	بریلویت و قضیه‌ی تکفیر
۲۴.....	فتوای التواء حج

بسم الله الرحمن الرحيم

روزنه

تاریخچه‌ی بروز بدعتها و رشد تدریجی آنها در میان متمسک اسلام به نهایت خلافت حضرت عثمان ذی النورین - داماد پیامبر اکرم (ﷺ) - و قیام او باش به رهبری عبد الله بن سبأ یهودی برمی گردد. این فتنه جویان فتیله‌ی آتشی بودند که در جسد امت اسلامی رخنه کرد. و در مسیر این فتنه‌ها کسانی سر از زیر خاک برآوردند که حضرت علی را خدا دانستند! و در مقابل آنها فرقه خوارج بودند که او را کافر می‌پنداشتند! بعدها تفکر اولویت خلافت حضرت علی بر سایر خلفاء مطرح شد که شیعیان آنرا رهبری کردند!

گرچه بیشتر این فرقه‌های فتنه‌جو تشکلاتی سیاسی بودند، ولی برخی از آنان چون تشیع سعی کردند با ایجاد نگرشهای مذهبی خاص خود کم کم خود را از دیگر مسلمانان جدا کرده به گروه خود تشخص خاصی دهند. این اندیشه‌ی تشخص‌گرایی آنها را بر آن داشت تا در اساسنامه مذهبی خود «مخالفت با عوام» - یعنی مخالفت با سایر مسلمانان - را بعنوان یکی از بندهای اساسی جای دهند. تا بدینصورت در هر قضیه‌ی مذهبی بصورتی با سایر مسلمانان مغایرتی ایجاد کنند و برای پیروان خود تشخص خاص معرفی کنند. این پرتگاه بسیار خطرناکی بود که شیعه را بدانچه امروز است سوق داده؛ نماز پنجگانه که شاخص اسلام است به سه مرتبه کاهش پیدا کرد! اذان که شعار مسلمانان است بکلی تغییر شکل یافت! نحوه‌ی ادای نماز و وضوء بکلی عوض شد و...، در جانب عقیده نیز همه چیز بهم ریخت؛ قرآن تحریف شده اعلام شد. امامان در مدت همان سه قرن اول شکل گرفتند؛

معصوم دانسته شده اختیارات و کمالات الهی از علم غیب گرفته تا تصرف در کائنات و تام
الاختیار بودن در آخرت و... به آنها داده شد، قبرپرستی رواج پیدا کرد...

این روند بدعتگری در گوشه و کنار جهان اسلام با گسترش فتوحات اسلامی و عدم
اهتمام درست حکومت‌های مرکزی به برپایی مراکز دعوت و اصلاح بشکل گسترده‌ای در
بین شهرهایی که به اسلام می‌پیوستند شدت گرفت. وقتی مسلمانان شبه قاره هند را فتح
کردند. این منطقه بیشتر بت پرست و بودایی بودند. در بسیاری موارد ملت‌هایی که سالها با
دیانت‌های جاهلی خود انس گرفته بودند با نور اسلام آشنایی مختصری پیدا نموده به اسلام
گرویدند. ولی چون دعوت‌گران اسلامی نتوانستند به همه آنها بدرستی برسند بسیاری از آنها
در کنار همان ظاهر اسلامی که عبارت از نطق به شهادت اسلام و نماز بود با عقائد پیشین
خود انس داشتند. از اینرو، در بسیاری از نقاط این سرزمین پهناور مشاهده می‌شود که
مسجد و مزار در کنار هم قرار دارند. مسلمانان در نماز ندای توحید و خدا پرستی و «تنها تو
را می‌پرستیم و تنها به تو استعانت می‌جوئیم و غیر از تو از کسی یاری نمی‌طلبیم» سر
می‌دهند و چون از نماز برمی‌آیند به قبری که آنرا با ساز و برگ خود زینت بخشیده‌اند
می‌روند و با آهنگ شرک آلود بدعت‌ها هر آنچه را در مسجد با خدای خود عهد کرده‌اند
زیر پا می‌نهند..

متأسفانه چون این فرقه‌های بدعتگرایی که در واقع مزجی از اسلام نوپا و عقیده‌های
هندی گذشته در این منطقه بود توانستند همه قبرهای اولیاء و صوفیانی که بیشتر از سرزمین
ایران قدیم که مورد تاخت و تاز مغولها و سپس صفویان قرار گرفته بود، بدین منطقه فرار
کرده بودند، و در این سرزمینها وفات کرده‌اند چون علی هجویری و... را مورد تصرف
خود درآورده از آنها دکانهایی برای چپاول اموال مردم و کسب مال و ثروت بسازند.
بسیاری از مسلمانان و حتی بسیاری از دانشمندان اسلامی که با این منطقه آشنایی ندارند،
گمان می‌برند که این بدعتگران پیروان آن صوفیان پارسا و زاهد و پرهیزگارند!..

این روند دینگرایی هندی که پوششی اسلامی داشت همیشه زیر چتر دشمنان اسلام و بخصوص استعمار انگلیسی که سالیان دراز در این مناطق تاخت و تاز داشته بوده است. نویسنده این پژوهش علمی، پرده از حقیقتی برداشته که بر بسیاری از پژوهشگران اسلامی نیز پوشیده است. ایشان بدین نتیجه دست یافته‌اند که فرقه بریلویت رهبری احمد رضا خان دست بافت شیعه می‌باشد. خانواده احمد رضا خان که خود ظاهراً شیعه بوده‌اند زیر چتر تقیه وارد مذهب حنفی رائج در منطقه می‌شوند. و سپس احمد رضا خان می‌تواند عقائد شیعه‌گری خود را به نحوی در کالبد اسلامی منطقه داخل نماید. و با زیرکی خاصی رهبریت جناح بدعتگرانی که تنها دارای پوششی اسلامی، و حقیقتی هندوسی بودند را بدست گیرد و از آن پس این گروه بزرگ بنام بریلویت شهرت یابند.

این گروه که از بیشتر صفات تندروی و افراطی و تکفیری بودن شیعه برخوردار است خود را بریلوی می‌نامیدند..

ولی پس از انقلاب خمینی در ایران و سرنگونی شاه رسانه‌های گروهی ایران از آنها به نام «اهل سنت و جماعت» یاد کردند. از آنروز است که این گروه سعی می‌کند این نام جدید را بزور یدک کشد..

حکومت ایران همانگونه که با ثروت نفت خود به شیعیان پاکستان می‌رسد، و در گوشه و کنار برایشان بارگاهها و مزارها و حسینیه‌ها و مسجدها برپا می‌سازد و روزه خوانها و مبلغانشان را حقوق می‌دهد، دست سخاوتش بر سرگروه بریلویت نیز می‌باشد. و در برنامه‌های سالانه‌ای که این گروه بر مزارها و قبرهای خود در شهرهای مختلف پاکستان به اجرا درمی‌آورند، بیمارستانهای صحرائی امام خمینی می‌زند و آنها را بصورت رایگان معالجه می‌کند..

گر چه اینان تا حدودی از نظر فساد اخلاقی و شیوع فحشا در بینشان از شیعیان پاکتر هستند، اما از نظر کافر دانستن سایر مسلمانان و فتنه انگیزی و استعمال الفاظ رکیک و فحش در سخنرانیهایشان، و غلو و مدح و ثنای بی جای پیران و مرشدانشان از آنها دست کمی ندارند.

و اگر چه در ظاهر چون شیعه امامان خود را معصوم نمی دانند و به آنها لباس خدایی نمی پوشانند، ولی در حقیقت امر در این زمینه نیز از شیعه هیچ کمتر نیستند.. و در تقدس مزارها و قبرهای به اصطلاح اولیاء تماما مثل شیعه هستند. اینان نیز چون شیعه قرآن را تنها برای کسب برکت و خیر تلاوت می کنند و هیچگاه برای دریافت درست دین حاضر نیستند آیات آنرا ورق بزنند و یا سعی کنند بفهمند.

خلاصه؛ می توان گفت: بریلویت تصویری است از شیعه گری به سبک هندی!
و آن عبارت است از؛ گروهی که از نظر فقهی دارای مذهب حنفی، و از نظر عقائد تصویری مسخ شده از شیعه هستند...

د. مصطفی محمدی

تمهید

بریلوی و یا بریلویت مدرسه‌ی فکری انحرافی و منتسب به مذهب حنفی است که از شبه قاره هند نشأت گرفته است. شبه قاره‌ی هند که مشتمل بر؛ هندوستان، بنگال و پاکستان می‌باشد همیشه مکان پر امنی برای بوجود آمدن فرقه‌های مختلف گمراه چون قادیانیت، بریلویت، آغاخانیت، بوهریت و مذاهب دیگری که خود را بزور منتسب به اسلام می‌دانند، بوده است. و در کنار این تشنج مذهبی فرقه‌هایی دیگر برای اصلاح این حرکتها قیام کرده‌اند که آنها نیز بر اساس احساسات و جذبات خلاف این گروهها به میان آمده‌اند، و غالباً نتوانسته‌اند که اصول اساسی دعوت را در نظر گیرند بلکه هر آنچه را که در مخالفت با این گروهها بوده است بدون در نظر داشت ضوابط شرعی ذریعه‌ی برای تبلیغ و مبارزه خود قرار داده‌اند که در نتیجه باعث انحراف آنان از طریقه مسنون دعوت گردیده است.^۱

لازم به تذکر است که آنچه از عقاید این گروه در این مقال مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد نمی‌تواند دلیلی بر حکم عام تلقی گردد، به این معنی که نمی‌توان عقاید ذکر شده در اینجا را عقاید همه بریلویان و یا عوام الناس که بدون علم و تنها بر اساس شعار ظاهری بریلویت که عبارت از عشق و محبت رسول الله ﷺ است به این دسته گرویده‌اند،

۱- این کتاب کوچک در اصل خلاصه و ترجمه آزاد کتابی به زبان عربی و اردو به همین عنوان است که توسط شیخ احسان الهی ظهیر رحمه الله نوشته شده است. چون مولف این کتاب بر خلاف ادعا در مقدمه این کتاب نتوانسته است غیر جانبدار باقی بماند، نویسنده سعی نموده است که تنها اموری را از آن نقل کند که مستقیماً به موضوع مرتبط بوده و شاهدهی از کتب معتبر بریلویت بر آن موجود باشد. علاوه بر این نویسنده بعضی معلومات و یا مشاهداتی را که شخصاً از این فرقه در اختیار داشته است نیز بر این مقال اضافه کرده است.

دانست. بلکه شاید بسیاری از آنان از این عقاید بیخبر بوده و حتی هم شاید بیزار باشند. لهذا می‌توان گفت که این عقاید متعلق به علماء و بزرگان آنان بوده و بر اساس آن نمی‌توان بالای جمع بریلویت و یا عوام آنان حکم کرد، و یا فتوا صادر نمود.

موسس و پیشوا

امام و پیشوای بریلویت، احمد رضا خان بریلوی در شهر بریلی ایالت اترپردیش هندوستان در ۱۴ جون سال ۱۸۶۵ در یک فامیل علمی چشم به جهان گشود، و به همین دلیل این طایفه به نام شهر امامشان شهرت یافته اند. والد وی نقی علی و والد بزرگش رضا علی از جمله علمای مشهور حنفی در هندوستان بشمار می‌روند.^۱

احمد رضا خان شخصیتی بسیار تند مزاج، قهر آلود و فحش گو بود. چنانچه یکی از معتقدین و پیروان وی نیز بر شدت و قسوت وی اقرار کرده می‌نویسد که؛ وی در حق مخالفین خود بسیار لحن شدید و تندی داشت، حتی که در این راستا احتیاط شرعی را نیز در نظر نمی‌گرفت.^۲

معتقدین بریلویت همچو مذاهب باطله دیگر در توصیف شیخ خود از غلو و افراط کار می‌گیرند، و برای اثبات شخصیت وی داستانها و حکایات عجیب و غریبی اختراع کرده‌اند.

«نسیم بستوی» یکی از اتباع بریلوی می‌نویسد که؛ عالم الغیب سینه مبارک ایشان (احمد رضا بریلوی) را گنجینه معارف، و ذهن، دماغ، قلب و روح وی را مملوء و لبریز از یقین پاک، و فکر، شعور و احساس پاکیزه کرده بود. لیکن چونکه رابطه هر انسان باید بر اساس عالم اسباب استوار باشد بدین لحاظ اعلیٰ حضرت (رضی الله عنه!!) نیز مجبورا دست

۱- تذکره علمائی هند صفحه ۶۴.

۲- مقدمه مقالات رضا نوشته کوکب ص ۳۰.

به عالم اسباب زدند^۱.

رضا احمد بریلوی در باره خود می‌نویسد: «درد سر و بخار (تب) امراض مبارکی است که انبیاء کرام به آن مبتلاء می‌گردند». سپس می‌نویسد: «الحمد لله که مرا نیز اکثر درد سر و تب می‌باشد»^۲.

عبد الحکیم قادری یکی از اتباع دیگر بریلوی می‌نویسد: «زبان و قلم اعلی حضرت از هر نوع لغزش مبراء بود، با وجود اینکه هر عالمی را لغزشی می‌باشد مگر اعلی حضرت حتی یک نقطه را نیز اشتباه نکردند»^۳.

یکی از مریدان بریلوی می‌نویسد که؛ «زیارت اعلی حضرت شوق زیارت صحابه را کم کرد»^۴.

بعضی از مخالفین بریلوی مدعی اند که احمد رضا بریلوی در اصل شیعه بود، و یکی از دلایل آن نسب وی است که چنین می‌باشد: احمد رضا بن نقی علی بن رضا علی بن کاظم علی^۵.

دلیل دیگر این طبقه از مخالفین شعری از احمد رضا بریلوی است که در توصیف عائشه رضی الله عنها سروده است و در آن ام المومنین را طوری برهنه و دور از ادب توصیف کرده است که عضو و اندام وی را چنانچه در غزل‌های عشقی شاعران توصیف می‌کنند یاد آور شده است. و نویسنده آن اشعار و یا ترجمه آنرا توهین به شخصیت پاک و با عفت ام المومنین دانسته و از ذکر آن در اینجا خودداری کرده است و خوانندگان در صورت تحقیق می‌توانند آن اشعار را در حدائق بخشش ۲۳/۳ نوشته بریلوی مشاهده کنند.

۱- انوار رضا ص ۳۵۵.

۲- ملفوظات ۶۴/۱.

۳- یاد اعلی حضرت نوشته عبد الحکیم شرف قادری ص ۳۲.

۴- وصایای شریف ص ۲۴.

۵- حیات اعلی حضرت ص ۲.

دلیل دیگر این ادعا، روایات خاص اهل تشیع است که در تصنیفات احمد رضا بریلوی ذکر شده است، که اهل سنت به این روایات معتقد نیستند. از آنجمله احمد رضا در کتاب خود «الأمن والعلی لناعتی المصطفی» - امن و بهشتهای برین برای مداحان رسول - می‌نویسد: «إن علیاً قسیم النار!». علی (رضی الله عنه) تقسیم‌کننده آتش جهنم است. و در کتاب دیگر خود مینویسد: «إن فاطمة سمیت بفاطمة لأن الله فطمها وذریتها من النار»^۱، فاطمه برای این فاطمه نامیده شده است که الله سبحانه و تعالی وی و اولاد وی را از آتش نجات داده است.

دلیل دیگر این ادعا، دعاء خاص شیعیان است که بریلوی در کتاب خود آن را ذکر کرده و مدعی شده است که اگر کسی این دعا را بخواند همه مشکلات وی حل میشود!! دعا چنین است:

ناد علیا مظهر العجائب تجده عوناً لک فی النوائب
کل هم و غم ستجلی بولایتک یا علی یا علی^۲

(علی مظهر العجائب را بخوان. در سختیها او را یار و یاورت خواهی یافت. همه مشکلات و نگرانیهایت با ولایت تو ای علی، ای علی بر طرف خواهد شد).

بریلوی در کتاب خود رساله بدر الانوار صفحه ۵۷ مینویسد که مانعی نیست اگر برای تبرک نمونه مقبره حضرت حسین (رض) ساخته شده و در خانه گذاشته شود!!

این عده از مخالفین دلایل خیلی زیادی را برای اثبات این دعوی خود ذکر کرده اند که برای تفصیل آن میتوان به کتب آنها مراجعه نمود. آنها بر این ایده‌اند که او فردی شیعه بوده که برای از بین بردن اصول و قواعد ثابت اهل سنت و نزدیک کردن آن به مذهب

۱- ص ۵۸.

۲- ختم نبوت نوشته رضا احمد بریلوی ص ۹۸.

۳- فتاوی رضویه ۱۸۷/۶.

تشیع قیام کرده، و زیر پرده‌ی تقیه عقائد اصلی خودش را پنهان کرده است. احمد رضا بریلوی، پان^(۱) را به کثرت استعمال می‌کرد، حتی روزه‌ی خود را با پان افطار می‌کرد، حقه (چلم - قلیان) نیز از عادات جناب اعلی حضرت بود حتی که از وی روایت شده است که می‌گفت: در وقت حقه کشیدن بسم الله نمی‌گویم تا شیاطین نیز مرا همراهی کنند!^۲

احمد رضا بریلوی در وقت اشغال شبه قاره توسط انگلیس‌ها مانع از جهاد و مبارزه با آنها شده می‌نویسد: «جهاد بر ما مسلمانان هند فرض نیست، و هر آنکه دعوت به فرضیت جهاد کند مخالف مسلمانان بوده و به آنان ضرر می‌رساند»، وی برابری قدرت و توان مقابله با دشمن را شرط اساسی جهاد می‌داند و چونکه مسلمانان هند با انگلیس در قدرت و توان جنگی برابر نیستند جهاد نیز بر آنان فرض نیست^۳.

رضا احمد بریلوی در سال ۱۹۲۱ در حالی وفات نمود که به اساس اعتراف بعضی از مریدان او عده‌ی زیادی از مسلمانان بر بطلان عقاید وی پی برده و از آن متنفر شده بودند، اما عده‌ی بی‌بودند که بر عقیده وی استوار مانده و بعد از وفات وی نیز کرامات وی را مشاهده می‌کردند. چنانچه گفته می‌شود که جمعی مشاهده کردند که جنازه وی را ملائکه بر شانه‌های خود حمل می‌کردند.

بریلوی وصیتی طولانی قبل از مرگ خود نوشت که در آن حقانیت دین خود را بیان کرده می‌گوید: «بر دین و مذهب من که از کتب من ظاهر است استوار باقی ماندن نسبت به

۱- پان: تنبول یا تبئل. و آن برگ‌گی است از قسمی فلفل که آنرا در هندوستان با آهک و فوفل می‌خایند و آب آن را بیرون می‌کنند، و لبها با آن سرخ می‌گردد.

۲- انوار رضا ص ۲۵۶ و حیات اعلی حضرت ص ۶۷.

۳- المحجة المومنة ص ۲۰۸ و ۲۱۰.

هر فرض دیگری واجب تر و مهمتر است»^۱.

در اینجا بیجا نمی‌بینم که بعضی اقوال اتباع بریلوی را در باره‌ی وی ذکر کنم: یکی از اتباع وی می‌نویسد که در فتاوی رضویه هزاران مسائل طوری است که گوشهای علماء به آن آشنا هم نبود^۲. دیگری می‌نویسد که اگر امام ابو حنیفه فتاوی رضویه را می‌دید بریلوی را در جمله اصحاب مقرب خود شامل می‌کرد^۳. چنانچه یکی از آنان مدعی شده است که احمد رضا ابو حنیفه عصر خود بود. مرید دیگری می‌نویسد که در احمد رضا خان بریلوی ذهانت ابو حنیفه، عقل ابو بکر رازی و حافظه قاضی خان جمع شده بود^۴.

احمد رضا بریلوی را اتباعش گاهی به چهار یار رسول الله ﷺ تشبیه کرده و گاهی وی را معجزه رسول الله ﷺ و گاهی هم دلیل و حجت خداوند بر روی زمین می‌دانستند^۵. یکی از آنان از این همه پا فراتر گذاشته می‌نویسد که وقتی اعلی حضرت به حج رفتند در مسجد خیف برای وی بشارت مغفرت داده شد^۶.

احمد بریلوی نیز در صفات خود ضد و نقیض‌های زیادی را ذکر کرده است که با ذکر دو مثال آن اکتفاء می‌کنیم. در مقدمه شرح الحقوق صفحه ۸ آمده است که جناب فرمودند: «در سینه من یک صندوق است که جواب سوال هر علمی را که بر آن تقدیم شود فوراً ارائه می‌کند». و در جای دیگر نغمه سرا می‌گوید:

۱- انوار رضا ص ۲۷۲، وصایا شریف ترتیب حسنین مرضا ص ۱۰ و مقدمه دوام العیش نوشته مسعود احمد ص ۱۸.

۲- بهار شریعت ۳/۱،

۳- مقدمه فتاوی رضویه ۴/۱۱.

۴- همچنان ۲۱۰/۵.

۵- همچنان ۲۶۳/۵ و ۳۰۳.

۶- حیات اعلی حضرت نوشته ظفر الدین بهاری ص ۱۲.

کسی چرا سخن تو را بپرسد رضا
مانند تو هزاران سگ (بر روی زمین) زندگی می کنند!

عقاید بریلوی

بیشتر عقاید بریلوی مشابه به عقاید شیعیان می باشد. این مبالغه نخواهد بود که گفت عقاید بریلوی نسبت به اهل سنت به اهل تشیع نزدیکتر است.

بریلویان برعکس هدایات دین مبین اسلام و حقیقت توحید، فریاد به غیر الله و کمک خواهی از بندگان نیک الله تعالی را جزء عقیده خود می دانند. آنان معتقدند که الله تعالی بعضی از بندگان خاص خود را برای حاجت روایی مخلوقات مامور ساخته و مردم به خوف و هراس حاجات و ضروریات خود را از آنان می طلبند.^۱

احمد رضا بریلوی در رساله حیاة الأموات مندرج در فتاوی رضویه جلد ۴ صفحه ۳۰۰ مینویسد: «مدد خواستن از اولیاء، آواز دادن و خواندن آنها و توسل کردن به آنان نه تنها امر نامشروعی نیست بلکه مرغوب و پسندیده نیز می باشد که آنرا بجز اشخاص ضدی و یا دشمنان عدل و انصاف کس دیگری نمی تواند انکار کند». و در همین مرجع می نویسد که «استعانت از انبیاء و مرسلین، اولیاء، علماء و صالحین حتی بعد از وصال (رحلت) آنان جائز است، اولیاء بعد از انتقال نیز در دنیا تصرف می کنند».

در کتاب دیگر خود می نویسد: «حضور (رسول الله ﷺ) در هر مصیبت به کار می آید، حضور ﷺ بهترین عطاء کننده است، به عاجزی و ذلت، رسول الله ﷺ را نداء کن، حضور پناه هر بلاء و مصیبتی است»^۲.

۱- حدائق بخشش ص ۴۳.

۲- الأمن والعلی لناعتی المصطفی نوشته رضا احمد خان بریلوی ص ۲۹.

۳- الأمن والعلی ص ۱۰.

قابل ذکر است که کلمه «حضور» که در شبه قاره هند برای رسول الله ﷺ استعمال می‌شود نیز ربطی به فلسفه عقاید بریلویت دارد، زیرا آنان معتقدند که رسول الله ﷺ حاضر و ناظر بوده و در همه جا موجود می‌باشد.

در جای دیگری می‌نویسد «جبرئیل علیه السلام حاجت روا است، پس در قبول کردن رسول الله ﷺ بعنوان حاجت روا، مشکل کشا و دافع بلاء چه کسی را توان اعتراض است؟ او حاجت روای جبرئیل علیه السلام نیز است»^۱.

بریلویان بر شیخ عبد القادر جیلانی رحمه الله تهمت می‌زنند که گویا وی فرموده است: «اگر کسی در غم و رنج از من مدد بخواهد، رنج و غم او زایل می‌شود، اگر کسی در وقت مشکل نام مرا گرفته بر من نداء دهد، آن مشکل رفع می‌گردد، و اگر کسی در وقت مشکل مرا بسوی پروردگار وسیله گرداند حاجت وی بر آورده می‌شود»^۲.

احمد رضا بریلوی پا فراتر گذاشته می‌گوید که «من هرگاهی مدد خواسته‌ام «یا غوث» گفته‌ام، ولی یکبار خواستم از یک ولی دیگر (حضرت محبوب الهی) مدد بخواهم مگر از زبانم نام او خارج نشد بلکه از زبانم «یا غوث» بر آمد»^۳.

بریلوی در تشویق استعانت از مرده‌ها در کتاب خود الأمن والعلی صفحه ۲۴ مینویسد که اگر در کارهای خود متحیر شدی از مزارات استعانت بجو.

این همه در حالی است که آیات قرآنی و هدایات نبوی ﷺ نشان‌دهنده آنست که حتی پیامبران و رسولان علیهم السلام با وجود تقرب به الله سبحانه و تعالی در وقت مشکل از بارگاه الله تعالی حاجت‌روایی می‌کردند و خود کاری کرده نمی‌توانستند. بطور مثال، حضرت آدم علیه السلام در وقت اشتباه از الله سبحانه و تعالی مغفرت می‌طلبید، نوح علیه السلام برای پسر گمراه خود از خداوند جل جلاله طالب نجات وی از غرق می‌شود،

۱- ملفوظات ص ۹۹.

۲- برکات الاستمداد نوشته بریلوی (رساله رضویه ۱۸۱/۱).

۳- الاستمداد علی أجيال الارتداد نوشته بریلوی ص ۳۲ و ۳۳.

حضرت ابراهیم علیه السلام تنها از وی پسر می‌خواهد، موسی علیه السلام در همه حالات مشکل تنها از الله جل جلاله کمک می‌طلبد، حضرت یونس علیه السلام در شکم ماهی از الله تعالی طالب نجات می‌شود، حضرت ایوب علیه السلام در وقت بیماری از خداوند جل جلاله شفاء می‌خواهد. (بطور مثال، رجوع کن به آیات ۷۶ الی ۹۰، سوره انبیاء).

و در جامع ترمذی روایت شده است که رسول الله ﷺ عبد الله بن عباس رضی الله عنهما را مخاطب قرار داده می‌فرماید که؛ حاجات خود را تنها از الله تعالی طلب نما، تنها به وی نداء کن، سیاهی قلم خشک شده است، اگر همه کائنات با هم یکجا شوند نه به تو نفع رسانیده می‌توانند و نه ضرری را متوجه تو ساخته می‌توانند.

تقاضای توحید الوهیت اینست که حاجت روائی، مشکل کشایی و حل مصائب بدست خداوند متعال است، تنها آن ذات پاک ایزدی؛ خالق، مالک، رازق و مدبر امور همه مخلوقات است. تمامی قوت بدست اوست، و او به تنهایی مالک، خالق و بخشاینده این همه نعمت‌هایی است که در دنیا مشاهده می‌شود، و هدایات دین مبین اسلام نیز همین است که در وقت حاجت و ضرورت تنها به الله تعالی رجوع شود. اما بر پایه عقیده بریلویت، الله تعالی اینهمه اختیارات را به بنده‌های مقرب خود سپرده است، پس در حالات دشوار و مشکل باید استعانت و مدد از بنده‌های مقرب خداوند صورت گیرد، از آنها شفاء خواسته شود، و از آنها اولاد خواسته شود. آنها هر کسی را بخواهند می‌دهند و هر کسی را بخواهند محروم می‌کنند.

احمد رضا بریلوی شعری در وصف رسول الله ﷺ سروده که در آن همه صفات الهی را به رسول الله ﷺ منسوب کرده است، و پسرش این اشعار را چنین شرح می‌کند: «هر نعمتی که در جهان مشاهده می‌شود آنرا رسول الله ﷺ عطاء می‌نماید، تمامی کلیدها در دست اوست، از خزانه‌های الهی هیچ چیزی خارج نمی‌شود مگر بدست رسول الله ﷺ، و رسول ﷺ هر کاری را خواسته باشد همان می‌شود و خلاف آن صورت نمی‌گیرد، خواست رسول الله ﷺ را در جهان رد کننده‌یی نیست».

بریلوی در کتاب خود «الأمن والعلی» صفحه ۱۰۵ می‌نویسد: «هیچ حکمی بجز از دربار رسول الله ﷺ نافذ نمی‌گردد، هیچ نعمتی به کسی نمی‌رسد مگر از دربار رسول الله ﷺ». و در فتاوی خود جلد اول صفحه ۵۷۷ می‌نویسد: «هر چیز، هر نعمت، هر دولت در دین و در دنیا و در آخرت از روز اول تا به امروز، از امروز تا ابد الآباد، کسی را چیزی اگر رسیده است و یا می‌رسد، بدست مبارک رسول اکرم ﷺ رسیده است و یا می‌رسد».

در کتاب دیگر این گروه می‌آید که آدم علیه السلام نام رسول الله ﷺ را در عرش نوشت تا ثابت سازد که مالک این عرش رسول الله ﷺ است^۱.

در فتاوی رضویه می‌آید که رسول الله ﷺ خلیفه اعظم بوده و در زمین و آسمان تصرف می‌نماید.

احمد رضا بریلوی در باره ابوبکر و عمر رضی الله عنهما به روایت وضع شده‌ای استناد کرده می‌نویسد: «در روز قیامت، الله سبحانه و تعالی همه مردم را جمع می‌کند و دو منبر نور در دو طرف عرش برپا می‌نماید. بر آن منبرها دو نفر بالا می‌شوند. شخص طرف راست آواز می‌دهد که ای مخلوق هر آنکه مرا شناخته است شناخته است و اگر کسی مرا شناخته است من رضوان نگهبان جنت هستم، الله تعالی مرا امر کرده است که کلیدهای جنت را به رسول الله ﷺ بدهم و محمد ﷺ حکم کرده است که آنرا به ابو بکر و عمر بده تا آنان دوستان خود را به جنت داخل کنند. سپس شخص طرف چپ آواز می‌دهد که ای مخلوق، هر آنکه مرا شناخت پس او شناخت و آنکه نشناخته است من مالک نگهبان دوزخ هستم و خداوند متعال مرا امر کرده است که کلیدهای دوزخ را به رسول الله صلی الله علیه و آله بسپارم و رسول الله ﷺ حکم کرده است که آنرا برای ابو بکر و عمر بده تا آنان دشمنان خود را داخل دوزخ سازند». سپس می‌نویسد: «حضرت علی رضی الله عنه تقسیم کننده دوزخ است، یعنی وی دوستان خود را در جنت و دشمنان خود را در جهنم داخل می‌کند»^۲.

۱- مواعظ نعیمیہ ص ۴۱.

۲- الأمن والعلی ص ۵۷.

احمد رضا بریلوی در خطاب به شیخ عبد القادر جیلانی رحمه الله می‌نویسد: «ای عبد القادر، ای فضل کننده، سخاوت کننده بدون طلب، ای مالک انعام و اکرام، تو بلند و بزرگی، بر ما احسان کن و آواز سائل را بشنو، ای عبد القادر، آرزوهای ما را بر آورده ساز.» و در جای دیگر می‌نویسد: «اهل دین را مغیث عبد القادر». و سطری بعد غلوکنان می‌نویسد: «یا غوث! از احد (الله تعالی) به احمد و از احمد به تو، "کُن" و همه‌ی "کُن فیکون" حاصل شده است»^۱.

یکی از اتباع بریلویت بعد از اینکه حکایات دروغین و منسوب به شیخ عبدالقادر جیلانی رحمه الله را مسلسل وار بیان می‌کند صفات الهی را به وی منسوب کرده می‌نویسد که در تقدیر یک شخص مرگ نوشته بود، اما عبد القادر جیلانی تقدیر وی را بدل کرده و مرگش را به تأخیر انداخت^۲.

در کتاب «الحکایات الرضویة» صفحه ۱۰۲ می‌آید که اولیاء کرام مرده را زنده می‌کنند، کور و نابینای مادر زاد را شفاء می‌دهند، و قادرند تمام زمین را با یک قدم طی کنند. چنانچه در «فتاویٰ نعیمیه» صفحه ۲۴۹ می‌آید؛ بعد از مرگ در قوه تصرف و اختیارات اولیاء افزوده می‌شود.

بریلویان به این عقیده‌اند که اولیاء کرام در قبرها با حیات ابدی زندگی می‌کنند، علم، ادراک و سمع و بصر آنان نسبت به زندگی آنها خیلی‌ها قویتر می‌باشد. چنانچه آنان معتقد اند که مرده‌ها می‌شنوند و بعد از وفات دوستداران خود را مدد می‌نمایند. در باره جیلانی رحمه الله می‌گویند؛ وی هر وقت می‌بیند و آواز هر کس را می‌شنود. اولیاء قریب و بعید را به یک شکل می‌بینند^۳.

۱- حدائق بخشش ص ۱۷۹.

۲- باغ فردوس نوشته ایوب علی رضوی البریلوی ص ۲۶.

۳- بهار شریعت نوشته امجد علی ص ۵۸، علم القرآن نوشته احمد یار ص ۱۸۹ وازاله ضلالت نوشته مفتی عبد القادر ص ۶۷.

یکی از بریلویان می‌نویسد؛ یا علی یا غوث گفتن جایز است، زیرا بندگان محبوب خداوند در برزخ می‌شنوند. دیگری می‌نویسد؛ انبیاء کرام بعد از چهل روز در قبر نماز خواندن را آغاز می‌کنند. دیگری بر آن اضافه کرده می‌گوید؛ آنان در قبرها راه می‌روند، نماز می‌خوانند و سخن می‌گویند و در معاملات مخلوق تصرف می‌کنند.^۱

علم غیب:

عقیده اهل سنت اینست که علم غیب خاصه الله سبحانه و تعالی بوده و هیچ کسی اعم از انبیاء و اولیاء فراتر از علم محدودی که الله سبحانه و تعالی به آنان عطاء نموده است امور غیب را نمی‌دانند، و حتی انبیاء تا آنکه بر آنها وحی صورت نمی‌گیرد از علوم غیبی بی‌خبر می‌باشند. سیرت رسول اکرم ﷺ و هدایات دین مبین اسلام نیز نمایانگر این حقیقت است، چنانچه علمای مذهب حنفی نیز همه بر این متفق اند که علم غیب را بجز الله سبحانه و تعالی کسی دیگر نمی‌داند. اما بریلویان معتقد اند که انبیاء و اولیاء هر آنچه در گذشته شده است و هر آنچه در آینده می‌شود را می‌دانند و از نظر آنان هیچ چیزی مخفی نیست. آنان به دل‌های مردم دانا بوده و از هر راز با خبرند.

در «مواعظ نعیمیه» صفحه ۱۹۲ می‌آید: انبیاء از پیدایش عارف بالله می‌باشند و علم غیب را می‌دانند. بریلوی دیگری می‌نویسد؛ هیچ چیزی از نبی ﷺ مخفی نیست، این روح پاک بر عرش و بلندی و پستی آن، دنیا و آخرت، جنت و دوزخ بر همه مطلع است، زیرا اینهمه برای آن ذات جامع الکمالات خلق شده است. و در جایی دیگر مینویسد؛ علم جناب رسالت مآب بر تمام معلومات غیبیه و لدنیه محیط بود.^۲ چنانچه در کتاب «خالص الاعتقاد» صفحه ۲۸ که کتاب معتبر این گروه است می‌آید که صحابه کرام به یقین کامل حکم می‌کردند که رسول الله ﷺ غیب را می‌داند.

۱- فتاوی نوریه از نور الله قادری ص ۵۲۷، رسول الکلام نوشته دیدار علی ص ۱ و حیات النبی نوشته کاظمی ص ۳.

۲- الکلمة العلیا لإعلاء علم المصطفی نوشته نعیم الدین مراد آبادی ص ۱۴ و ۵۶.

مسئله بشریت رسول الله ﷺ

بریلویان بر این عقیده اند که رسول الله ﷺ حصه‌یی از نور الله تعالی می‌باشد. آنان رسول الله ﷺ را از دایره بشریت خارج کرده و وی را مخلوق نوری می‌شمارند. این در حالیست که قرآن کریم بطور واضح این ادعا را در آیه‌های مختلف رد می‌کند. چنانچه در سوره ابراهیم آیه ۱۱ می‌آید: ﴿قَالَتْ لَهُمْ رُسُلُهُمْ إِنْ نَحْنُ إِلَّا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ يَمُنُّ عَلَىٰ مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ﴾ «پیامبرانشان به آنان گفتند که ما نیستیم مگر بشر همچو شما مگر خداوند متعال بر آنکه از بندگان خود خواسته باشد منت می‌گذارد». و در سوره کهف آیه ۱۱۰ می‌فرماید: ﴿قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ يُوحَىٰ إِلَيَّ﴾ «بگو (ای محمد)! جز این نیست که من مانند شما بشری هستم بر من وحی می‌شود که معبود شما معبود یگانه است».

در شمائل ترمذی ذکر شده است که ام المومنین عائشه رضی الله عنها می‌فرماید که رسول الله ﷺ مخلوق دیگری بجز بشر نبود، لباس خود را شستشو میکرد، بز خود را می‌دوشید و خدمت خود را خود می‌کرد.

مگر با وجود اینهمه دلایل واضح و روشن، بریلویان معتقدند که رسول الله ﷺ نور بود، و همه مخلوقات از نور رسول الله ﷺ پیدا شده‌اند^۱.

احمد رضا بریلوی حدیث ذیل را منسوب به عبد الرزاق کرده می‌نویسد که وی در مصنف خود آورده است که رسول الله ﷺ جابر رضی الله عنه را گفت: ای جابر! بیشک الله تعالی قبل از همه مخلوقات نبی ترا از نور پیدا کرد، نور رسول الله ﷺ به قدرت الهی آنجا را که خداوند خواست دوره می‌کرد، در آنوقت لوح و قلم، جنت و دوزخ، فرشتگان، زمین و آسمان، آفتاب و مهتاب، جن و آدم هیچ یکی خلق نشده بودند، پس وقتیکه الله تعالی خواست مخلوق را خلق کند آن نور را به چهار حصه تقسیم کرد، از حصه اول قلم، از حصه دوم لوح، از سوم عرش را خلق کرد و سپس حصه چهارم به چهار حصه دیگر تقسیم

کرد.

بعد از بیان این حدیث دروغین (موضوع) بریلوی می‌نویسد که این حدیث را امت قبول کرده است، و قبول کردن امت امر بزرگی است که بعد از آن به سندی ضرورت نیست، بلکه اگر سند ضعیف هم باشد هیچ باکی ندارد^۱.

به اساس همین اعتقاد، بریلویان به این نظر اند که سایه رسول الله ﷺ بر زمین نمی‌افتید و ایشان نور محض بودند، وقتی ایشان در آفتاب و یا شب مهتابی راه می‌رفتند سایه ایشان به نظر نمی‌آمد^۲. "شجاعت بریلوی" در کتاب خود (من هو احمد رضا بریلوی - احمد رضا بریلوی کیست؟) صفحه ۳۹ می‌نویسد که کیفیت نور بودن رسول الله ﷺ را الله تعالی بیان نکرده است و نه هم آنرا می‌دانیم، مگر بدون فکر و غور ایمان آوردن به این امر فرض است. و خود بریلوی در فتاوی رضویه می‌نویسد که رسول الله ﷺ را بشر گفتن از سخنان کافران است!!

مسئله حاضر و ناظر

بریلویان بر عکس عقیده اهل سنت، بر حاضر و ناظر بودن رسول الله ﷺ در هر زمان و هر مکان معتقد اند، چنانچه گذشت به همین سبب است که آنان رسول الله ﷺ را «حضور» می‌نامند. یکی از آنان می‌نویسد که هیچ مقام و هیچ وقتی از حضور ﷺ خالی نمی‌باشد^۳. یکی از اتباع بریلویت در کتاب «جاء الحق وزهق الباطل» صفحه ۱۵۰ می‌نویسد: «اولیاء الله در یک لحظه در چندین جا می‌توانند حضور داشته باشند، و آنان می‌توانند در یک وقت چند جسم داشته باشند».

۱- رساله صلاة الصفا مندرج در مجموعه رسائل بریلوی ص ۳۳.

۲- مجموعه رسائل ص ۲۲۴.

۳- تسکین الخواطر فی مسئله الحاضر والناظر نوشته احمد سعید کاظمی ص ۸۵.

احمد رضا بریلوی در باره اولیاء الله می نویسد: «اگر آنها بخواهند در یک وقت در ده هزار شهر و در ده جای مختلف دعوت را می پذیرند»^۱ و در باره رسول الله ﷺ می گوید: «روح کریم نبی ﷺ در همهء جهان در خانه هر مسلمان تشریف فرما هستند»^۲. دیگری در کتاب «تسکین الخواطر» صفحه ۱۸ می نویسد که اهل بصیرت رسول الله ﷺ را در وقت نماز نیز می بینند. قابل ذکر است که بریلویان غلات (متمدن) در بعضی از مساجد خود در وقت جماعت یک جا نماز را به این اعتقاد خالی می گذارند که رسول الله ﷺ نیز تشریف آورده و با آنان در نماز شرکت می کند.

احمد رضا بریلوی متأثر از اقوال هندوها شده می گوید: کرشنا کتھیا (یکی از پیشوایان هندو) کافر بود و در یک وقت در صدها جا موجود شد، فتح محمد (نام یکی از بزرگان است) اگر در یک وقت در چند جا به نظر آید چه جای تعجب است؟ هرگز گمان نکنید که شیخ خود در یکجا بود و در دیگر جاها شبیه وی بودند، کلا و حاشا بلکه شیخ به ذات خود در هر جا موجود بود، اسباب باطن ما وراء فهم ظاهر است و خوض و فکر بیجا است.^۳

تعلیمات و هدایات بریلوی

بریلویان همچو عقاید خاص خود بعضی تعلیمات و هدایات ویژه نیز دارند. ملاهای بریلوی برای بدست آوردن معاش و رزق شان بعضی امور جدید و بدعت را در دین وضع کرده اند تا بدینوسیله از اتباع ساده لوح خود پول و مال و منالی بدست بیاورند. ملاهای بریلوی بر تعمیر قبرها و مزارها تأکید زیاد کرده اند تا خود در آنجا سجاده نشین و ملنگ باشند و

۱- ملفوظات ص ۱۱۳.

۲- خالص الاعتقاد ص ۴۰.

۳- فتاوی رضویہ ۴۲/۶.

عرس و جشنها برپا کنند و اتباع آنان پول، نذر و نیاز خود را آورده و به آنجا بریزند. به همین اساس، کتابهای آنان مملوء از تشویق و ترغیب تعمیر قبرها و مزارات می‌باشد.

در کتاب «جاء الحق وزهق الباطل» نوشته احمد یار صفحه ۲۸۲ می‌آید که: «تعمیر کردن بالای قبرهای علماء و اولیاء کار جایز است، هدف و منظور از این کار پیدا کردن عظمت اولیاء در چشمان مردم است تا مبادا مردم اصحاب این قبرها را حقیر بشمارند». این در حالیست که حدیث نبوی ﷺ صراحتاً از چونه کردن، گچ زدن و یا پخته کردن قبرها و قبه و مناره زدن بر آنها منع می‌کند. چنانچه رسول الله ﷺ علی رضی الله عنه را امر فرمودند تا قبرهای بلند را با زمین برابر کند^۱.

علاوه بر این، فقه حنفی که بریلویان خود را به آن منسوب می‌دانند از پخته کردن قبرها ممانعت می‌کند^۲.

اما احمد رضا بریلوی در کتاب خود احکام شریعت صفحه ۷۱ بر خلاف اینهمه احادیث و نصوص مذهب حنفی می‌نویسد که تعمیر قبرها و غیره به این سبب ضروری است که مزارات طیبه از قبرهای عام ممتاز باشد و در نظر مردم هیبت و عظمت داشته باشد. چنانچه در فتاوی خود تحت عنوان «بریق المنار بشموع المزار» می‌نویسد که روشن کردن شمع برای تعظیم قبرها جایز است تا مردم بدانند که این قبر بزرگی است و از آن تبرک حاصل کنند.

امام ابن العابدین از علمای بزرگ مذهب حنفی، در کتاب خود «رد المختار» جلد ۲ صفحه ۱۳۹ می‌فرماید: نذر کردن تیل - نفت - و یا چراغ بر قبرها باطل می‌باشد. و همچنان علامه حصفکی در کتاب خود در «المختار» می‌نویسد که نذرهایی که توسط مردم بر قبرها گذاشته می‌شود خواه بصورت نقدی باشد و یا بصورت تیل و غیره به اجماع باطل و حرام

۱- این احادیث را میتوان در مسلم، ترمذی و نسائی ملاحظه نمود.

۲- برای تفصیل این موضوع میتوان به کتاب الآثار نوشته محمد بن الحسن الشیبانی، المبسوط نوشته امام سرخسی، فتاوی قاضی خان و بدائع الصنائع نوشته امام کاسانی مراجعه نمود.

است. در فتاوی عالمگیری میاید که روشنی کردن بر قبرها از رسم‌های جاهلیت می باشد. نعیم الدین مراد آبادی، یکی از بزرگان بریلویت می نویسد؛ برپا کردن عرس و در آن موقع روشنی کردن، فرش کردن و لنگر انداختن ثابت به شرع و سنت نبوی است.^۱ و خود بریلوی در فتاوی خود جلد ۲ صفحه ۳۳۳ می نویسد؛ نماز خواندن در مزارات اولیاء و مدد خواستن از ارواح آنان باعث برکات می گردد.

یکی از افراطیان بریلویت می نویسد که اگر برای برکت بر اطراف قبر طواف صورت گیرد گناه نیست. و دیگری می نویسد؛ نماز تنها پشت سر آن کسی جایز است که عرس و جشن بر قبرها برپا می کند و کسی که از این امر را انکار می کند پشت سر وی نماز جایز نیست.^۲

درباره‌ی جشن میلاد النبی ﷺ، بریلویان معتقد اند که «میلاد شریف از قرآن، حدیث، ملائکه و پیامبران ثابت است»، «میلاد سنت ملائکه است، از آن شیطان فرار می کند»، «میلاد سنت و واجب است».^۳

بریلویان به این اعتقاد دارند که نه تنها مدینه منوره و مزارات اولیاء بلکه بوسیدن تصاویر آنان نیز ضروری می باشد. بریلوی می نویسد: «علماء دین حکم می کنند که تصویر نعل مطهر و روضه رسول اکرم ﷺ کشیده شده و آن بوسه شود و به چشم مالیده شود و یا اینکه بر سر گذاشته شود».^۴ و در «بدر الأنوار فی آداب الآثار» ص ۳۹ می نویسد؛ علماء دین برای دفع امراض و حصول حاجات به این تصویرها توسل می نمودند.

یکی دیگر از تعلیمات بریلویت، این است که بمجرد گفتن و یا شنیدن «محمد رسول الله» گوینده و یا شنونده باید انگشتان خود را بوسیده و آنرا به چشمان خود بمالد، و احمد

۱- رساله المعجزة العظمی المحمدیة ص ۱۶۰.

۲- بهار شریعت نوشته امجد علی رضوی ۱۳۳/۴ والحق المبین نوشته احمد سعید کاظمی ص ۷۴.

۳- جاء الحق وزهق الباطل ۲۳۱/۱ - ۲۳۳ ورسول الکلام ص ۵۸.

۴- ابر المقال فی قبلة الأجلال ص ۱۴۳.

رضا خان در فتاوی خود تحت عنوان «منیر العین» ادعا می‌کند؛ انکار این عمل منافی با اجماع امت است. این در حالیست که امام سخاوی، ملا علی قاری و غیره از امامان فقه حنفی روایات متعلق به بوسیدن و مالیدن دست به چشمان را موضوع - دروغ - قرار می‌دهند.^۱

اذان دادن بالای قبرها در مذهب بریلوی مستحب بوده و مرده از آن مستفید می‌شود. اضافه بر این آنان معتقدند که شیطان از اذان بالای قبر فرار می‌کند و بر قبر برکات نازل می‌گردد.^۲ حالانکه امام ابن الهمام حنفی می‌فرماید؛ اذان دادن و ارتکاب بدعات دیگر بالای قبرها درست نیست، از سنت همینقدر ثابت است که وقتی رسول الله ﷺ به جنت البقیع داخل می‌شدند می‌فرمودند: «السلام علیکم دار قوم مؤمنین...» علاوه بر این، دیگر چیزی ثابت نیست، از این نوع بدعت‌ها اجتناب باید کرد. چنانچه امام شامی رحمه الله، یکی دیگر از علمای مذهب حنفی، می‌فرماید: در این زمان اذان دادن بالای قبرها رواج است، این امر ثابت نبوده بلکه بدعت می‌باشد.^۳

بریلویت و قضیه‌ی تکفیر

بزرگان بریلوی در تکفیر علماء و بزرگان دین دست باز داشته اند، آنان همیشه علماء مخالف خود را با کلمات ملحد، زندیق، مرتد و غیره یاد می‌کردند. به اصطلاح آنان، وهابی‌ها و غیر مقلدین که مخالفین اصلی آنان بودند هیچگاه از حملات لفظی و تکفیری آنان در امان نبودند. آنان علمای اکابر همچو شیخ الاسلام ابن تیمیه، امام ابن قیم و امام شوکانی -رحمهم الله- را نیز بد مذهب، ملحد و صاحب فهم

۱- برای تفصیل موضوعات ملا علی قاری والفوائد المجموعه نوشته امام شوکانی را میتوان ملاحظه نمود.

۲- فتاوی رضویه ۵۴/۴ و جاء الحق ۳۱۵/۱.

۳- أهر المقال فی قبلة الأجلال ص ۱۴۳ و بدر الأنوار فی أدب الآثار ص ۳۸.

ناقص می‌دانستند^۱. این حملات منحصر به آنان باقی نماند بلکه توسعه یافته و بزرگان دیوبندی و حنفی را نیز در بر می‌گرفت.

احمد رضا بریلوی در باره مولانا قاسم نانوتوی رحمه الله که از بزرگان علمای حنفی در عصر خود بود، می‌نویسد: «قاسمیه منسوب به قاسم نانوتوی نویسنده «تحذیر الناس» است این همان نانوتوی است که محمد علی کانپوری ناظم ندوه آنرا لقب حکیم امت محمدی داده است، این سرکش و کارمند شیطان همه در این مصیبت عظیم شامل اند». در جایی دیگر می‌نویسد که «قاسمیه لعنهم الله ملعون و مرتد هستند»، و می‌نویسد: «تحذیر الناس کتاب ناپاک نانوتوی مرتد است»^۲.

مولانا رشید احمد گنگوهی عالم جید و فاضل حنفی بود و مولانا عبد الحی لکهنوی در باره وی در «نزہۃ الخواطر» می‌نویسد: «شیخ، امام، علامه، محدث رشید احمد گنگوهی شخص محقق عالم و فاضل بود، در صدق و عفاف، توکل و تصلب فی الدین مثیلی نداشت؛ در امور مذهبی خیلی پایبند بود». اما بریلویان معتقد اند که یکی از وجوهات داخل شدن جهنمی‌ها در جهنم پیروی از گنگوهی می‌باشد^۳.

درباره مولانا اشرف علی تھانوی، از علمای بزرگ مذهب حنفی در هند، بریلوی در فتاوی رضویہ ۵۴/۶ می‌نویسد: «مصنف بهشتی زیور (یعنی: مولانا تھانوی) کافر است، مشاهده کتاب وی بر تمام مسلمانان حرام است». و در صفحه ۱۰۴ می‌نویسد که اشرفیہ همه مرتد هستند.

سپس بریلویان در باره دیوبندی‌ها حکم عام کرده می‌گویند که «شک کنندہ در کفر دیوبندی‌ها کافر است»، «پشت سر کسی که آنان را از مسلمانان می‌پندارد نماز جایز نیست»،

۱- فتاوی صدر افاضل ص ۳۱ و ۳۲، جاء الحق ۴۵۵/۱ و فتاوی رضویہ ۲۴۲/۲.

۲- حسام الحرمین علی منحر الکفر والمین نوشته احمد رضا ص ۱۹، فتاوی رضویہ ۵۹/۶ و تجانب اهل السنہ ص ۱۷۳.

۳- حسام الحرمین ص ۲۱.

«اگر کسی تعریف دارالعلوم دیوبند را کند و آنرا به نظر حقارت نیند همینقدر برای مسلمان نبودن وی بسنده است»^۱.

فتاوی التواء حج

دشمنی بریلویان با وهابی‌ها آنقدر شدت اختیار کرده است که بریلویان فتاوی ساقط شدن فریضه حج را صادر کرده اند زیرا کعبه در قلمرو حکومت وهابی‌ها می‌باشد، و آنجا برای مسلمانان مکان محفوظی بشمار نمی‌رود و تا آنکه خاندان آل سعود بر حکم مسلط باشند فرضیت حج نیز ساقط می‌باشد.

این فتوا را آنها در رساله خاص «تنویر الحجۃ لمن یجوز التواء الحجۃ» شائع کرده اند. این فتوا را پسر احمد رضا بریلوی؛ مصطفی رضا بریلوی، صادر کرده است، و آنرا بیشتر از پنجاه تن از بزرگان بریلوی همچون؛ حشمت علی قادری، حامد رضا فرزند احمد رضا بریلوی، نعیم الدین مراد آبادی و سید دلدار علی و غیره امضاء و تصدیق کرده اند. در فتوا آمده است که: «ابن سعود نجس و جماعت آن همه مسلمانان را مشرک و کافر می‌پندارند و اموال آنان را چون شیر مادر حلال می‌دانند، بر اساس این عقیده آنان فرضیت حج ساقط و لزوم آن معدوم می‌گردد». و در آخر فتوی می‌آید که «ای مسلمانان، در این روزها حج بالای شما فرض نیست، و ادای آن نیز لازم نیست، تأخیر روا است»^۲.

یکی از بزرگان بریلوی در دهلی این فتوی را تصدیق کرده می‌نویسد؛ به اثر التواء و تأخیر حج ان شاء الله حرمین از قدم‌های ناپاک نجدیه پاک و طاهر می‌گردد. علاوه بر آنچه گذشت، عقاید بریلویان مملوء از مشکلات و بدعات دیگری نیز است که همه آنرا نمی‌توان در این بحث فشرده ذکر نمود.

۱- فتاوی رضویه ۸۱/۶-۸۲ والمبین فی ختم النبیین مندرج در فتاوی رضویه ۱۱۰/۶.

۲- تنویر الحجۃ ص ۱۰..

در اینجا تنها به چند مورد از نشانه‌های بارز بریلویان اشاره می‌کنم:

بریلویان قبل از اذان به آواز بلند درود و صلوات به الفاظ خاص خویش بر رسول الله ﷺ می‌فرستند و سپس اذان را آغاز می‌کنند. آنان همین درود و سلام را بعد از ادای نماز فرض نیز دسته‌جمعی به آواز بلند می‌خوانند. مساجد بریلویان عموماً رنگ سبز داشته، حتی که دروازه‌ها، کلکین‌ها - پنجره‌ها - کلاه‌های موجود در مسجد و هر آنچه ممکن باشد را سبز رنگ می‌کنند. کلمه «الصلاة و السلام علیک یا رسول الله» از دروازه مسجد شروع و در منبر خاتمه می‌یابد. مساجد آنان غالباً با گلها و برگ‌های مصنوعی و کاغذهای رنگارنگ مزین می‌باشد. تصویرهای نعل مبارک، مسجد نبوی و حتی بعضی از زیارت‌ها جزء لاینفک مساجد آنان می‌باشد. جماعت دوم بطور قطعی در مساجد بریلویان حرام می‌باشد و حتی مخالفت‌کننده بالت و کوب - چوب و چماق - مواجه می‌شود.

بریلویان، گروه دعوتگر دارند که آن را «دعوت اسلامی» می‌نامند. این گروه سالانه اجتماع بزرگی را برپا می‌کند. مکانی را که در آن اجتماع صورت می‌گیرد «مدینه» می‌نامند، زیرا به زعم آنان آنجا همه اتباع سنت و محبان رسول الله ﷺ جمع می‌شوند لهذا حکم مدینه را بخود می‌گیرد!

بریلویان، عمامه (دستار) های سبز و یا هم سرخ کمرنگ به سر می‌کنند، موهای خود را در موازات نرمه‌های گوش قطع می‌کنند.

قابل یاد آور است که عده زیادی هستند که اگرچه خود را بریلوی نمی‌دانند و یا منسوب به بریلویت نیستند اما عقاید مشابه به عقاید بریلویت دارند. گروه‌های منسوب به تصوف در شبه قاره هند و افغانستان و پیرهای جعلی آنان اکثر معتقد به این عقاید می‌باشند، و این عقیده در سایه جهالت و نادانی مردم با سرعت تمام در این مناطق در حالت رشد است.